

القرون الماضية . وما قالته پروين قطعة بعنوان « ملاك الأنس » جاء فيها :

« فرشته انس »

در آن سرای که زن نیست ، شفقت نیست
در آن وجود که دل مُرد ، مُرده است روان
ببیچ مبحث و دیباچه ای ، قضا نوشت
برای مرد کمال ، و برای زن نقصان
زن از نخست بود رکن خانه هستی
که ساخت خانه بی پای بست و بی بنیان
زن از براه متاعب نمیگذاخت چو شمع
نمیشناخت کس این تیر را پایان
۵ - چو مهر ، گر که نمیتافت ، زن بکوه وجود
نداشت گوهری عشق ، گوهر اندر کان
فرشته بود زن ، آنساعتی که چهره نمود
فرشته بین ، که برو طعنه میزند شیطان
اگر فلاطن و سقراط ، بوده اند بزرگ
بزرگ تر بوده ، پرستار خردی ایشان
بگماواره مادر ، بکودکی بس خفت
سپس بمکتب حکمت ، حکیم شد لقمان
چه پهلوان و چه سالک ، چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره ، شاگرد این دبیرستان
۱۰ - حدیث مهر ، کجا خواند طفل بی مادر
نظام و امن ، کجا یافت ملک بی سلطان